فهرست

[مقدمه 2](#_Toc85271332)

[معرفی فقه تربیتی 2](#_Toc85271333)

[معنای دانش 2](#_Toc85271334)

[معنای تربیت 2](#_Toc85271335)

[موضوع دانش تربیت 3](#_Toc85271336)

[دانش تربیت کردن در لغت فارسی 3](#_Toc85271337)

[معنای فقه 4](#_Toc85271338)

[انواع فقه تربیتی 4](#_Toc85271339)

[فقه تربیتی در دنیای امروز 5](#_Toc85271340)

[روش تولید فقه تربیتی 6](#_Toc85271341)

[ابزار حس 7](#_Toc85271342)

[ابزار عقل 7](#_Toc85271343)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

روش تحقیق در فقه تربیتی

# مقدمه

بحثی که در این دو جلسه خواهیم داشت روش تحقیق در دانش فقه تربیتی است. فقه تربیتی به‌عنوان یکی از دانش‌هایی که بحمدالله در فضای آکادمیک و حوزوی دانشگاهی ما آمده ابتدا ما این دانش را مقداری معرفی می‌کنم و بعد راجع به روش‌های تحقیق این دانش که در تداوم باید به کار گرفته شود که تولیدات این دانش بیشتر شود خدمت سروران بحث می‌کنم.

# معرفی فقه تربیتی

برای معرفی دانش فقه تربیتی لازم است به‌عنوان اینکه این دانش ترکیبی و بین‌رشته‌ای است دو دانش را اینجا معرفی کنم.

## معنای دانش

یکی دانش تربیت. خواهم گفت چرا دانش می‌گویم نه علم و نه به‌صورت ترکیبی علوم تربیتی. توجه داشته باشید که خود واژه دانش یا آگاهی یا علم و معرفت معانی و کاربردهای مختلفی می‌تواند داشته باشد اما مراد ما اولاً پیش‌فرضی که داشته باشید این است که دانش به‌صورت تک گزاره مدنظرمان نیست بلکه مجموعه گزاره‌هایی که در حول یک موضوع به وجود آمده‌اند. گزاره‌ها مفاهیم تصورات یا تصدیق‌هایی که می‌خواهیم مطرح کنیم اینجاست که دانش وقتی می‌گوییم مجموعه گزاره‌هایی است یا شناخت‌هایی است که از شناختن یک موضوع و مسائل پیرامون آن به‌دست‌آمده است. پس دانش به عبارت امروزی‌ها به معنای discipline یا دانش رشته‌ای به کار می‌بریم. اینکه گفتیم دانش و علم نگفتیم دلیلی دارد که عرض می‌کنم که در وسط بحث بیشتر توجه داشته باشید آن این است که دانش وقتی می‌گوییم امروزه به‌اصطلاح انگلیسی knowledge که می‌گوییم شناخت‌ها و معرفت‌هایی است که از شناختن یک موضوع به‌دست‌آمده باشد از هر روش یا از هر منبعی. توجه نداریم این دانش از چه منبعی از منابع چهارگانه یا پنج‌گانه به‌دست‌آمده باشد. چه از طریق حسی باشد چه عقلی چه شهودی و چه رجوع به شهادت یا دین و اسناد و مدارک. پس دانش به شناخت‌ها یا علومی که از شناختن یک موضوع به‌دست‌آمده باشد از هر روش یا منبع معتبر اعم از تجربی و غیر. پس اولین نکته که توجه کنید این است که وقتی ما می‌گوییم علوم تجربی با پیش‌فرض متدولوژیک جلو می‌رویم یعنی دانش‌هایی که از موضوع تربیت به‌دست‌آمده باشد از طریق حس و تجربه. این بحث بحثی است که خیلی باید حواسمان جمع باشد که بعداً که فقه تربیتی می‌گوییم به این‌ها هم باید توجه داشته باشیم.

## معنای تربیت

پس اولین نکته راجع به دانش این است که دانش تربیت که تربیت را هم توضیح خواهم داد که مشکل زبانی از بین برود ما وقتی الآن دانش تربیت کردن می‌گوییم به اعتبار منبع می‌تواند چهار یا پنج نوع می‌توانیم دانش تربیت داشته باشیم. دانش تربیتی که از طریق حس و تجربه به‌دست‌آمده باشد که ما به آن علم می‌گوییم. حال جزء علم تربیت یا علوم تربیتی که می‌گوییم به همین دلیل است که پیش‌فرض داریم این‌ها از طریق تجربی آمده است. در ادبیات دانشگاهی ما و جاهای دیگر این پیش‌فرض است که دانش تربیت جزء دانش‌های تجربی است و وقتی دانش‌های تجربی را دودسته می‌کنند: natural و human دانش‌های طبیعی مثل فیزیک و شیمی و دانش‌های انسانی مثل روانشناسی اقتصاد و سیاست و تعلیم و تربیت این‌ها جزء دانش‌های تجربی انسانی‌اند. پس دانش تربیت می‌تواند دانشی باشد که ادعا شود از طریق حس و تجربه به‌دست‌آمده باشد که به آن علم تربیت یا علوم تربیتی می‌گوییم و می‌تواند از طریق عقل به‌دست‌آمده باشد که به آن فلسفه تعلیم و تربیت می‌گوییم می‌تواند از طریق شهود و عرفان به‌دست‌آمده باشد که به آن تربیت عرفانی می‌گوییم و می‌تواند از طریق دین به‌دست‌آمده باشد یعنی دانش تربیت کردن ما از طریق دین به‌دست‌آمده باشد. اینجا دانش تربیت که از طریق دین به‌دست‌آمده باشد می‌توانیم به آن فقه تربیت بگوییم. خوب عرضم را توجه کنید. طبق بندی که به وجود آوردم که علم تربیت فلسفه تعلیم و تربیت تربیت عرفانی و فقه تربیت. فقه تربیت با این تعریف به مجموعه شناخت‌هایی که از موضوع تربیت از طریق دین به‌دست‌آمده باشد فقه تربیت یا تربیت دینی می‌گوییم. این اولین نکته‌ای است که خیلی برای بحث ما می‌تواند مهم قلمداد شود.

# موضوع دانش تربیت

موضوع تربیت را بگویم بعد خواهم گفت چند نوع دانش تربیت دینی یا فقه تربیت می‌توانیم داشته باشیم. موضوع تربیت یعنی موضوع دانش تربیت چیست؟ در ادبیات قدیم به اعتبار موضوع طبقه‌بندی می‌کردند که در فضای علمی ما رایج و درست هم هست. طبق بندی ارسطویی است. حکمت به معنای عام به نظری و عملی تقسیم می‌شد. نکته مهمی که توجه داشته باشند دانش تربیت چه علم تربیت چه فلسفه تربیت چه تربیت عرفانی و چه فقه تربیت جزء دانش‌های عملی است. این اولین چیزی است که باید توجه کنید. این دانش عملی موضوعش چیست؟ دانش‌های عملی یا کاربردی چه از طرق عقل به دست بیاید چه طرق دیگر موضوعش مطالعه راجع به این است که انسان‌ها نیازهای خودشان را با چه نوع اعمال و رفتاری و چگونه تأمین کنند. مثلاً دانش اقتصاد سیاست اخلاق که اجزاء حکمت عملی در نظر قدما بود دانش‌هایی است که تدبیری است که به ما شیوه درست تأمین نیاز را یاد می‌دهد. موضوع دانش تربیت می‌توانیم بگوییم مسئله‌ای از امیال آدمی است که آن میل میل فرزند آوری است. دانش تربیت راجع به این میل و نیاز آدمی است. مجموعه مباحثی که در دانش تربیت با شقوق چهارگانه‌اش مطرح است این است که در راستای وظایف آن فرزند خواهان است. درنتیجه برای فرزند آوری چه اعمالی باید انجام دهند و چگونه. اما ازآنجایی‌که ما به‌تبع این میل توانایی هم داریم واقعیتش این است که آنچه ما می‌توانیم به‌عنوان فرزند بیاوریم چیزی بیش از یک سلول جنسی اسپرم و تخمک نیست. درنتیجه اگر می‌خواهیم فرزند بیاوریم به معنای اینکه انسانی شود که رشد و کمالات پیدا کند باید بگوییم موضوع علم تربیت دو چیز است. فرزند آوری و به‌تبع اینکه ما نمی‌توانیم فرزند را به‌عنوان انسان کامل بیاوریم و انسان ناقص می‌آوریم و این انسان باید از طریق پروراندن ما رشد و کمال پیدا کند می‌توانیم بگوییم موضوع علم تربیت و تربیت کردن بحث فرزند آوری و فرزند پروری است. این هم نکته بعد.

# دانش تربیت کردن در لغت فارسی

نکته سوم که بگویم چرا می‌گوییم تربیت کردن توجه داشته باشید چون این دانش جزء دانش‌های عملی است و ما وقتی به زبان عربی مصدر به کار می‌بریم زبان فارسی برای بیان فعل‌ها به‌صورت مصدری به‌صورت مرکب است. پژوهش کردن مطالعه کردن برای تسریع معنای مصدری و نشان دهیم موضوع این دانش چیست که پروراندن فارسی بگوییم یا تربیت کردن بگوییم. این کلیات دانش تربیت کردن است.

# معنای فقه

کلمه فقه در لغت فهمیدن است ولی در قرآن فهمیدن عمیق کلام دیگران است. در داستان حضرت شعیب گفتند لانفقه کثیرا مما یقول فقه ازلحاظ لغت باید این‌طور بگوییم یعنی فهمیدن و شناختن عمیق کلام دیگران. کلام دیگران مطمئناً با طبقه‌بندی که داریم کلام به‌صورت کلی ابراز ما فی الذهن است. آنچه در ذهنمان است را به زبان می‌آوریم. اگر فقه به این معنا بگیریم که ازلحاظ لغت به کار می‌بریم آیه نفر هم که می‌گوییم لیتفقهوا فی الدین دارد. دین تجلی‌اش برای ما به‌صورت مجموع کلام‌های خدا معصومین و ائمه است که به‌صورت کتبی درآمده باشد. از کلام شفاهی هم ما محرومیم. فقه به‌صورت لغت فهم کلام دیگران است ولی ما در ادبیات حوزوی وقتی فقه به کار می‌بریم باید قید بزنیم که یعنی فهم کلام دین. اگر کلام‌الله بگوییم که یعنی کلام انبیا و رسولان الهی. با ترکیبش می‌توانیم بگوییم دین در شکل اصلی کلام‌الله است و بیان‌ها و تبیین‌هایی است که از طریق اوصیاء الرسول برایش ارائه شده است. پس فقه فقط فقه کلام نیست بلکه کلام خداوند و تبیین‌هایی که برای این کلام به امر خدا از طریق رسول‌الله یا انبیای الهی و اوصیا انجام‌گرفته. این معنای عام است. اما به‌تدریج در حوزه‌ها قید دیگری زده‌شده است. قید اول کلام خدا بود و تبیین‌هایی که بتوسط انبیا انجام‌گرفته تخصیص و قید بعدی همان‌طور که می‌دانیم کلام‌الله و اصیاء الرسول سه دسته کلی دارند. این کلام‌ها می‌تواند خبری یا انشائی باشد و انشائی‌ها 9 دسته می‌تواند باشد دودسته محل بحث مایند امرونهی که یک دسته است و بایدهای ارزشی که خواست‌هاست. پس دین سه قسمت است. گزاره‌های خبری که اعتقادیات دین است امرونهی که احکام دین و دستورات و اوامر و نواهی خداوند است و قسمت سوم بیان آرزوها و خواست‌های الهی است قسمت اخلاق دین و گزاره‌های اخلاقی است.

فقه الآن در حوزه دانشی تلقی می‌شود که از طریق فهم عمیق کلام‌های دستوری خداوند و پیامبر و انبیا به دست می‌آید. فقه اینجا بدین معناست که دانشی است که از طریق مطالعه مجموعه اوامر و نواهی خداوند که به‌وسیله تبیین‌ها یا توضیحاتی که پیامبر و ائمه برای آن ارائه داده‌اند. سؤالی که هست موضوع دانش فقه چیست؟ موضوعش می‌توانیم موضوع عامی بگیری مکه دستورات و اوامر خداوند برای انجام افعال و ترک بعضی دیگر است. موضوع فقه مجموعه رفتارهایی است که انسان باید انجام دهد. انسانی که به شرایط دستور پذیری رسیده باشد که به آن مکلف شدن می‌گوییم. قیود را توجه کنید بحث گم نشود.

# انواع فقه تربیتی

با تعریف اجمالی دانش فقه و تربیت کردن تا حدی معلوم شد چه می‌گوییم. دانش فقه تربیتی یا تربیت کردن بر اساس دین یک معنای عامش بود که باید تعیین و تکلیف کنیم و یک معنای خاصش بود که تربیت کردن فقط در دستورات خداوند است. دانش تربیت کردنی که بر اساس دین باشد را فقه تربیت می‌گوییم اما یک‌وقت فقه تربیت منظورمان هرچه خدا و رسول و ائمه گفته اعم از گزاره‌های ارزشی و اخباری. فقه تربیتی به معنای عام یعنی هرچه دین به‌عنوان تربیت کردن به‌عنوان یک وظیفه و بحث‌های مقدماتی دارد. این‌طور من مثال بزنم خیلی نکته بهتری خواهد شد.

خداوند می‌فرماید روند آفرینش انسان این است که از طین نطفه علقه مضغه بعد مراحل ضعف قوت پیری دارد. انسان‌ها چه نحوی‌اند فرح فخور می‌شوند. این‌ها مباحث انسان‌شناسی است. هر نوع تربیت متوقف بر شناخت این ویژگی‌هاست که روانشناسی انسان یا روانشناسی به‌صورت مطلق بگوییم. از طرف دیگر انسان مطلوب ما انسانی است که می‌گوید ان الله یحب الصالحین توابین مطهرین و این بحث‌ها. چه باید کرد؟ وامر اهلک بالصلاه والوالدین یرضعن اولادهن حولین کاملین. قو انفسکم و اهلیکم، لاتشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم این‌ها دانش تربیت کردن عام‌اند. اما وقتی فقه تربیتی به معنای محدودتری بگیریم این است که مجموعه اموری که برای والدین فقط مشخص می‌کند چگونه این انسان از این هست به آنی که می‌تواند بشود برسد. پس دانش فقه تربیتی به مفهوم خاص با دو قید خورده می‌شود دانشی که به وظایف والدین (باید در جهان اسلام جبران کمبود مطالعات چند صدساله بکنیم. در فقه سنتی ما بابی مثل طهارت و صید و امربه‌معروف برای تربیت کردن و وظایف والدین نسبت به مسئله فرزند آوری و پروری جمع‌آوری نکردیم.) باید خیلی توجه کنیم امروز در حوزه‌ها به بحث تکلیف یا وظیفه تطهیر خوب پرداختند. کتابی به وجود آوردند به‌عنوان دانش طهارت. بحث‌های جدی و درس‌های زیادی دارد. دینی که راجع به دانش طهارت نکات ارزشمند دارد که به‌عنوان وظیفه فردی بحث می‌شود مطمئناً راجع به فرزند آوری و فرزند پروری بسیار روایت دارد. امروز در فضای خصوصاً جامعه المصطفی این دانش به‌عنوان دانش آکادمیک وارد شده ما در حد رسمی بین‌المللی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیریم و بحث‌های نسبتاً خوبی داریم و از ثمرات آیت‌الله اعرافی استفاده می‌کنیم. حدود 10 یا 12 رساله دفاع شده داریم. عزیزانی که به شما ارائه می‌دهند دکترا و تخصص در این رشته دارند. حدود 50 یا 60 نفر در سال‌های آینده دکترا می‌گیرند و عملاً این خبر نویدبخش را داشته باشم که این دانش در سطح ایران کمابیش جاافتاده است حتی دانشگاه‌های ما هم برای این رشته در حال آمادگی پیدا کردن هستند. حوزه ما هم مراکز متعددی دارند. تنها مرکزی که ما به‌عنوان حوزوی دانشگاهی هستیم جامعه المصطفی است که هم ارشد هم دکتری داریم.

جمع‌بندی در قسمت معرفی کنم و وارد روش تولید این علم شوم خصوصاً با گرایش فقهی. دانش فقه تربیتی دانشی است که موضوع شناختش مثل موضوع شناخت دیگران است یعنی مطالعه راجع به کارهایی که کسانی که می‌خواهند میل فرزند آوری خودشان را تحقق دهند انجام دهند. موضوع این رشته چه تجربی باشد چه دینی. پس این دانش یک دانش کاملاً علمی دانشی شناخته‌شده است و موضوع مشخصی دارد. الحمدالله تولیدات نسبتاً خوبی در حیطه این دانش وجود دارد.

فقه تربیتی به دو قلمرو تقسیم می‌شود. یکی دانش تربیت اگر بر اساس دین به دست بیاید به آن فقه تربیتی می‌گوییم. اما فقه تربیتی خاص فقط راجع به وظایف و تکالیف بحث می‌کند. چه‌کارهایی والدین باید انجام دهند و چگونه. روش فرزند پروری. بایدها و نبایدها را موردمطالعه انجام می‌دهد. عام فقط بایدها و نبایدها نیست. ویژگی‌های کودک از مرحله نطفه بودن و بحث ارزش‌هایش. در جامعه المصطفی شاید در تحولاتمان تمرکز روی فقه تربیت دستورشناسی و حکم شناسی است ولی در توسعه شاید به سمت فقه تربیتی عام برویم. کودک چه هست و چه می‌تواند بشود. پس تا اینجای بحث روشن شد.

# فقه تربیتی در دنیای امروز

قسمت بعدی بحث اینکه امروزه در دنیا مرسوم است که وقتی می‌گویند دانشی تولید شد و مجموعه گزاره‌هایی راجع به موضوعی پدید آمد و بستر برای اینکه یک دانش رشته به وجود بیاید باید بحث‌های متعددی راجع به این دانش داشته باشیم که گاهی به دانش اولی علم درجه‌یک می‌گویند. خود فقه تربیتی علم درجه‌یک است. اما ما راجع به مقدمات این علم هم می‌توانیم بحث کنیم که به آن فلسفه می‌گویند. فلسفه مضاف که می‌گویند درست نیست. فلسفه آن علم یعنی علم درجه‌دو. روش موضوع فایده مسائل علم یعنی مجموعه حیطه‌های علم مبدع این علم چیست. ما در زمان خودمان باید از مبدع این علم و فداکاری‌هایی که این مؤسس به وجود آورده یعنی آیت‌الله اعرافی که الحق و الانصاف این مرد بزرگ با همه توانش در این دوره عمر شریف خودش را مصروف تولید این دانش کرده خدمات جدی انجام داده حیطه‌ها را مشخص کرده. در زمان‌های دیگر خواهم گفت که چقدر کارهای خوبی انجام‌شده که در فضای آکادمیک به‌جرئت می‌توانیم بگوییم در فضای بین‌الملل بتوانیم بگوییم فقه تربیتی یک دانش دانشگاهی است که مراکز علمی می‌توانند اجرا کنند. با سرفصل منابع و متون و دانشجویان و طلاب گرامی زیاد.

# روش تولید فقه تربیتی

یکی از مباحثی که پیرامون هر دانشی باید پرداخته شود مشخص شود که این دانش روش تولیدش یا به‌اصطلاح امروز روش تحقیقش چیست تا کسانی که وارد مطالعه این دانش می‌شوند آنها هم کسانی شوند که در عرصه این دانش معارف بیشتری تولید می‌کنند تا این دانش توسعه پیدا کند. به عبارت امروزی‌تر روش تحقیق این علم یاد می‌گیرند چگونه مجهولات و مشکلات علمی و عمل تربیتی را موردتحقیق و بررسی قرار بگیرند و دانش تولید شود و بر اعتبار و ارزش این دانش افزوده شود تا جزء دانش‌های ماندگار شود و توسعه و گسترش بسیار بالایی پیدا کند. اینجاست که بحث شناخت روش تحقیق هر علم یکی از بحث‌های بسیار مهم است و هرکس می‌خواهد دانشجوی آن علم شود باید آن روش را یاد بگیرد. امروزه این روش جزء فلسفه علم است گرچه این اصطلاح قدما رئوس ثمانیه بود که در اول هر علمی می‌آوردند. مرسوم علوم انسانی این است که در مقدمه علم روش‌شناسی آن توضیح داده می‌شوند. سعی می‌کنیم مقداری به بحث‌های روش‌شناسی این دانش بپردازیم.

امروز با تحولات در عرصه معرفت‌شناسی گرچه ما نگرش حاکم پوزیتویستی داشتیم اما امروز این نگرش کمرنگ شده و نوعی پلورالیسم روش‌شناختی در دنیا حاکم است. لذا بعضی دغدغه رشته‌های تجربی دارند که فضای آکادمیک امروز پذیرش داشته باشد تقریباً کمرنگ شده با نگرش سقوط و تزلزلی که در دیدگاه پوزیتیویسم افراطی به وجود آمده بود. لذا امروز در بحث‌های روش‌شناسی علمی بحث‌هایی که عده‌ای داغش می‌کنند و با ادبیات دنیای مدرن و پست‌مدرن و سنتی و گاهی به ما سنتی می‌گویند در این بحث‌ها با چیزی که در واقعیت خارج می‌بینیم خیلی تفاوت دارد حتی دنیای آکادمیک مدرن و در مواردی با جمعیت کمی که دارند پست‌مدرن عملاً در بحث‌های روش تحقیق و تولید دانش این بحث‌های مقدمی را می‌پذیرند و افراط تجربه‌گرایی تقریباً از فضای آکادمیک رخت بربسته و می‌بینیم در فضای جهانی حتی دانشگاه‌هایی با پایه افراطی پوزیتیویستی و فلسفه‌های تحلیلی و توسعه دانش هرمنوتیک و این بحث‌ها باید توجه به داشته‌های خودمان کنیم.

توجه کنیم در بحث‌های علمی امروز به‌شدت در مواردی به داشته‌های حوزه ما توجه می‌کنند. روش‌های عام تفسیر متن یا استنباط و اجتهاد بحث را ادامه دهیم.

## ابزار حس

بشر در طول تاریخ باکش و قوس‌هایی که داشته به اینجا رسیده که انسان‌ها به‌طورکلی برای شناخت خودشان و موجودات غیر خودشان به‌طور مطلق حال هرچه می‌خواهند باشند چهار یا پنج منبع کسب دانش یا ابزار یا راه یا وسیله کسب دانش دارند. مهم‌ترین ابزاری که محل توجه بوده و تردیدی به وجود نیامده بحث حواسمان است. هرکس به خودش رجوع کند متوجه می‌شود که خیلی معارف یادانشی که دارد بر اساس حواسش به‌دست‌آمده است. بر اساس به‌کارگیری حس به‌دست‌آمده. مشاهده شنیدن لمس بو کردن و در ذهنمان تصویری از نرمی سردی بزرگی داریم که از حس به‌دست‌آمده است. این‌یک قسمت. با مطالعات حوزوی چه تصوری چه تصدیقی.

## ابزار عقل

نکته دوم که داریم اینکه ابزار عقل هم بشر داشته است. هر انسانی خیلی دانش‌های تصوری و تصدیقی‌اش از طریق عقل به‌دست‌آمده است. بحث‌های زیادی راجع به چیستی عقل هست که اشاره‌کنم. عقل مثل حس نیست که بتواند مثلاً ابزاریتش این‌طور باشد که با نگاه به چیز محسوسی از آن دانش به دست بیاوریم. عقل در اولین شکلی که می‌گوییم این است که می‌توانیم با چشممان تصوراتی به دست بیاوریم و با کمک عقل بگوییم آن چیز هست. بعد اینکه گفتیم آن هست می‌توانیم نگاه دوباره بکنیم چه به‌صورت حس عادی چه آزمایش چه صورت‌های دیگر بعد بگوییم آنکه گفتیم وجود دارد بگوییم این ویژگی هم دارد. نگاه به بالای سر بکنیم ببینیم این چیز هست اسمش خورشید است ویژگی‌اش هم نورانی بودن دایره بودن است. محمولی برای آن پیدا کنیم. این‌ها با حس به دست می‌آید. عقل چه می‌کند؟ یکی از توانایی‌های بزرگ عقل در شناخت این است که اگر از طریق حس این گزاره را به دست آوردیم که الف ب است بعد گزاره وصفی دیگری به دست بیاوریم که آن ب که محمول بود خودش ج است. خود محمول هم ویژگی دارد. مثلاً خورشید نورانی است و هرچه نور است پرتو است. انرژی است. این دو گزاره را از طریق حس به دست می‌آید. عقل توانی دارد. اگر شناخت که الف ب است و ب ج است. عقل با توانایی صورت دهی یا صورت‌بندی گزاره‌ها به‌جرئت صورت‌بندی می‌کند و گزاره جدیدی کشف می‌کند. اگر از طریق حس به دست آوردیم الف ب است و ب ج است عقل می‌گوید الف ج است. بعد استراحت توضیحاتی خواهم داد.